اعتبارسنجی و مسیریابی ثبت و انتقال احادیث «تردّد خداوند»
احسان پوردوانی / جمال‌الدین حیدری فطرت
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیستم، شمارهٔ ۷۹ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۲، ص ۹-۴۲

اعتبارسنجی و مسیریابی ثبت و انتقال احادیث «تردّد خداوند» به روش «فهرستی»*

احسان پوردوانی[۱]
جمال‌الدین حیدری فطرت[۲]

چکیده:

مجموعه احادیث «تردّد خداوند» را که دربردارندهٔ حدیث قدسی: «مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي مَوْتِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ» است، می‌توان از نمونه‌های بارز مشکل‌الحدیث دانست که قرن‌هاست موردبحث و گفتگوی محدثان، فقیهان، متکلمان، فیلسوفان، عرفا و مفسران شیعه و سنی قرار گرفته است. نوشتار پیش رو در پی آن است که اعتبارسنجی مجموعه احادیث «تردّد» را، برپایه نظام اعتبارسنجی قدماییِ «کتاب‌محور» واکاود. هدف از اجرای این فرایند، نه فقط پی بردن به اعتبار این مجموعه از احادیث، بلکه افزون برآن، ردیابی ورود این روایات به اولین مصادر حدیثی شیعه و جریان آن در منابع بعدی است. گردآوری مصادر اولیه دربردارنده این حدیث، می‌تواند باور نهفته در آن را به عنوان یک اندیشهٔ پذیرفته‌شده و فراگیر در میان امامیه مطرح کند. از این رو برای دستیابی به این دو مهم، یعنی: شناسایی راویان اول و نیز کشف اولین کتب حدیثی دربردارندهٔ حدیث تردد، با تحلیل اسناد این حدیث ارزشمند و مشهور در منابع حدیثی موجود، به ردیابی آن در مصادر حدیثی اولیه و در نتیجه، اثبات اعتبار و استحکام آن دست‌یافتیم.

کلیدواژه‌ها: تردّد خداوند، ما تردّدتُ، مشکل الحدیث، اعتبارسنجی حدیث، روش فهرستی، شهرت کتاب.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱.

۱. دانش‌پژوه سطح۴ رشته کلام امامیه مؤسسه معارف اهل بیت علیهم‌السلام، قم. e.p.davani@gmail.com
۲. مدرس مؤسسه معارف اهل بیت علیهم‌السلام حوزه علمیه قم، ایران. heidarifetrat@chmail.ir (نویسنده مسؤول)

آغاز سخن

مجموعه احادیث «تردّد خداوند» را می‌توان از نمونه‌های بارز مشکل الحدیث دانست که قرن‌هاست موردبحث و گفتگوی جدی اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. این مجموعه احادیث را می‌توان در منابع مختلف: حدیثی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی و تفسیری امامیه و نیز اهل سنت یافت که بیشتر پیرامون دلالت‌سنجی و محتواشناسی آن، سخن به فراوانی رانده‌اند. آن‌چه نوشتار پیش رو در پی آن است، اعتبارسنجی مجموعه احادیث «تردّد»، بر پایه نظام اعتبارسنجی قدماییِ «کتاب‌محور» است که امروزه با نام «روش فهرستی» معمولاً از آن یاد می‌شود.[۱] هدف از اجرای این فرایند، نه فقط پی بردن به اعتبار این مجموعه از احادیث، بلکه افزون بر آن، ردیابی ورود این روایات به اولین مصادر حدیثی شیعه و جریان آن در منابع بعدی است.[۲] گردآوری مصادر اولیهٔ دربردارندهٔ این حدیث، می‌تواند باور نهفته در آن را به عنوان یک اندیشهٔ پذیرفته‌شده و فراگیر در میان امامیه مطرح کند.

---

۱. نگارنده بر تفاوت اندک نگاه اعتبارسنجی «کتاب محور» و «روش فهرستی» واقف است. ولی از آنجایی که در بررسی این دسته روایات، این دو نگاه تفاوت چندانی با هم ندارند، از عنوان روش فهرستی بهره برده شده است. ناگفته نماند که روش اعتبارسنجی سندمحور در تحلیل این دسته روایات کارایی چندانی ندارد؛ چه اینکه اولاً در پژوهش‌های پیش از این، این دسته روایات بر پایه این نظام مورد سنجه قرار گرفته است. (ر. ک: «بررسی سندی و محتوایی احادیث «ماترددت فی شی...» بتول کمالی تقی پور، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه فردوسی»، «بازنگری حدیث تردد، مهناز فرحمند، فصل‌نامه سفینه، شماره۵۵، ص ۴۸-۲۶».) ثانیاً، به دلیل فراوانی روایات تردد و اشتمال آن بر گونه‌های مختلف: صحیح، موثق و حسن، می‌توان چنین نتیجه گرفت که صدور این دسته روایات، مورد پذیرش همگان است و این نوع تحلیل، ثمرهٔ چندانی را نمی‌تواند در پی داشته باشد. این دو نکته، جدای از منطبق نبودن این نظامِ پراشکال، بر واقعیات و تاریخ حدیث شیعه است.

۲. برخی دیگر از کارکردها و ثمرات بررسی فهرستیِ روایات، اینگونه است: ۱- تعیین زمان مکتوب شدن یک روایت؛ ۲- دستیابی به شهرت کتاب و حدیث؛ ۳- ترسیم مسیر انتقال کتاب در حوزه‌های حدیثی؛ ۴- کشف و حل معضلات نگارشی، چون: تصحیفات سندی و... . (جهت آگاهی بیشتر، ر. ک: کتاب بررسی روایت به روش فهرستی: ص۷۰-۶۰)

حدیث تردّد در منابع حدیثی موجود

حدیث تردّد، یکی از احادیث قدسی است که توسط معصومان علیهم‌السلام نقل شده است. این حدیث حاکی از آن است که خداوند، هنگام قبض روح مؤمن، هرچند اشتیاق به لقاء وی دارد ولی به خاطر کراهت مؤمن از قبض روح، از آن صرف‌نظر می‌کند.[۱] گفتنی است حدیث تردد، علیرغم تفاوت اندک در نقل‌های فراوان خود، به صورت مجزا و با سند مستقل در منابع حدیثی وارد نشده، بلکه بیشترین نقل آن، در ضمن حدیث «قُرب نوافل»[۲] است. حدیث تردد را می‌توان این‌گونه ارائه داد:

قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي مَوْتِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ إِنَّنِي لَأُحِبُّ لِقَاءَهُ وَ يَكْرَهُ الْمَوْتَ فَأَصْرِفُهُ عَنْهُ.[۳] خداوند عزوجل می‌فرماید: از انجام هیچ‌کاری که من انجام‌دهندهٔ آن هستم مانند قبض روح بنده مؤمنم بازنایستادم؛ من دیدار او را دوست دارم، درحالی‌که او از مرگ کراهت دارد. پس آن را (مرگ یا کراهت) را از او برمی‌دارم.

در جدول زیر، اطلاعاتی آماری از گزارش این حدیث در منابع متقدم حدیثی، از قرن سوم تا هفتم، درج و ارائه شده است:

---

۱. «حدیث تردد» را به جِدّ می‌توان در صدر احادیث مشکل دانست و تحیّر بزرگانِ عرصه فهم و فقاهت را در مضمون و محتوای آن نظاره‌گر بود. با بررسی نظرات موجود پیرامون این حدیث قدسی، می‌توان به این نتیجه رسید که سبب اصلی در برداشت ناصواب و ارائه توجیهات نابجا، در معنایابی واژه «تردد» و کیفیت انتساب آن به خداوند متعال، ریشه دارد. منتسب دانستن ذات باری‌تعالی به تردد، درگرو کیفیتِ معنا کردن این واژه است؛ که هر شنونده و شارح حدیث تردد، با توجه به‌پیش فرض‌ها و مبانی اعتقادی، به حل و تحلیل این سنت الهی می‌پردازد. در پژوهشی مستقل با عنوان «معنایابی حدیث تردّد»، این حدیث به شکل کامل مورد معنایابی قرار گرفته است.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ: مَنْ أَهَانَ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ فَقَدِ اسْتَقْبَلَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَ مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنُ بِمِثْلِ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ. وَ إِنَّهُ لَيَتَنَفَّلُ لِي حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَ رِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا. وَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي مَوْتِ [فَوْتِ] عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ... . المؤمن، باب ما خص الله به المؤمنين من الكرامات و الثواب، ص ۳۲، ح ۶۱.

۳. الکافی، ج ۲، باب الرضا بموهبة الایمان، ص ۲۴۶، ح ۶.

قرن	نام کتاب	مؤلف	امام گوینده حدیث تردد	حوزه حدیثی	تعداد روایات
قرن سوم	المومن[۱]	حسین بن سعید اهوازی (م حدود۲۵۵ق)	امام باقر علیه‌السلام امام صادق علیه‌السلام	کوفه قم	۴
قرن سوم	المحاسن[۲]	احمد برقی (م۲۸۰ق)	امام صادق علیه‌السلام از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله	قم	۳
قرن چهارم	کافی[۳]	کلینی (م۳۲۹ق)	امام باقر علیه‌السلام امام صادق علیه‌السلام از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله	ری ـ قم ـ بغداد	۴
قرن چهارم	مصادقة الاخوان[۴]	صدوق (م۳۸۱ق)	امام صادق علیه‌السلام از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله	قم ـ ری ـ بغداد	۱
قرن پنجم	الامالی[۵]	طوسی (م۴۶۰ق)	امام صادق علیه‌السلام از امام‌سجاد علیه‌السلام	بغداد	۱
قرن پنجم	مصباح المتهجد[۶]	طوسی (م۴۶۰ق)	بدون سند و گوینده	بغداد	۱
قرن ششم	مکارم الاخلاق[۷]	حسن بن فضل طَبرِسی (م ۶۰۰ق)	بدون سند و گوینده	ـ	۱
قرن ششم	الدعوات / سلوة الحزین[۸]	قطب الدین راوندی (م۵۷۳ق)	بدون سند و گوینده	قم	۱
قرن ششم	مشکات الانوار[۹]	علی بن حسن طبرسی (م حدود ۶۰۰ق)	بدون سند و گوینده	ـ	۱
قرن هفتم	فلاح السائل[۱۰]	سید ابن طاووس (م۶۶۴ق)	امام صادق علیه‌السلام	حلّه	۱

گفتنی آنکه تا پیش از قرن هفتم هجری، شرح و حاشیه‌ای بر حدیث تردد از سوی عالمان و محدثان شیعه در دسترس نیست و صرفاً می‌توان با تکرار این حدیث در کتب روایی و نیز کتب دعا بدون هیچ‌گونه توضیح و تبیینی روبرو شد. گویا چنین روایتی در

۱. المؤمن، حسین بن سعید اهوازی (م۲۵۵ق)، ص۳۶، ۳۳، ۳۲، ح۶۱، ۶۲، ۶۳، ۸۰.
۲. المحاسن، احمد برقی (م ۲۷۴ ق)، ج۱، باب ۲۷، ص۱۶۰-۱۵۹، ح۱۰۰-۹۹ و باب ۴۷، ص۲۹۱، ح ۴۴۳.
۳. الکافی، کلینی (م ۳۲۸ ق) ج ۲، ص۲۴۶، ح ۶؛ ج۲ ص۳۵۲، ح۷ و ۸؛ ص۳۵۴، ح۱۱.
۴. مصادقة الإخوان شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، ص۷۴، ح ۱. شیخ صدوق حدیث تردد را با طریق اهل سنت نیز نقل کرده است: التوحید (م ۳۸۱ ق)، باب ۶۲ ص۳۹۹، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص۱۲، ح۷.
۵. الأمالي شیخ طوسي (م ۴۶۰ ق)، المجلس الرابع‌عشر، ص۴۱۴، ح۸۰.
۶. مصباح المتهجد شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، ج ۱ ص۵۸.
۷. مکارم الاخلاق طبرسی (م قرن ۶)؛ ص۲۸۴.
۸. الدعوات / سلوة الحزین راوندی (م ۵۷۳ ق)، ص۱۳۴، ح۳۲۲ و ۲۴۱، ح۶۷۷.
۹. مشکات الانوار فی درر الاخبار طبرسی (م ۶۰۰ ق)، ص۱۴۷.
۱۰. فلاح السائل و نجاح المسائل سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) ص ۱۶۸.

نزد ایشان خالی از ابهام و اشکال بوده است.[۱]

حدیث تردد، اولین بار توسط اندیشوران مکتب حلّه مورد واکاوی محتوایی قرارگرفت. علامه حلی در کتاب «أجوبة المسائل المُهَنّائیة» در پاسخ به سؤال سید مهنّا بن سنان حسینی پیرامون حدیث تردد، با کلامی که نشانگر اطمینان نداشتن علامه به صدور این روایت است، بحث را آغاز و روایت را حمل بر مجاز کرده است:

لو ثبت هذا الحديث لوجب حمله على المجاز الذي من باب استعمال الشيء في مقابلة ضده، مثل «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللهُ» وان كان المكر مستحيل من الله تعالى. ولا استبعاد في حمل هذا الحديث على المجاز على هذا النوع، فان كراهة المؤمن للموت تقتضي عدم كرامة له عند الله تعالى ويقتضي حكمة الله تعالى وهو الموت، وعدم الخلود لأحد غيره تعالى يقتضي ترجيح موته، فلهذين السببين سمي ترددا لما لو وقع من البشر كما تقدم في المكر.[۲]

پس از علامه که دیگر اندیشوران امامی، به بحث درباره دلالت و محتوای آن پرداخته‌اند.[۳]

مسیریابیِ ثبت و انتقال احادیث تردّد به روش فهرستی

در فرهنگ کتاب‌محور حدیث شیعه، که ثبت احادیث از معصومان علیهم‌السلام در قالب نگاشته‌های حدیثی بوده و انتقال آن نیز در قالب کتاب‌های حدیثی صورت می‌پذیرفته،

---

۱. توضیحات محدثان متقدم، ذیل برخی روایات، گویای دأب ایشان در پرداختن به روایات مشکل بوده است. برای نمونه، شیخ صدوق در کتاب التوحید، ذیل برخی روایات، توضیحاتی را بیان می‌کند که عبارت است از: صفحات: ۲۷. ۶۵. ۸۰. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۹۰. ۱۱۹. ۱۲۰. ۱۲۹. ۱۳۱. ۱۳۴. ۱۳۷. ۱۴۸. ۱۴۹. ۱۵۵. ۱۵۶. ۱۶۵. ۱۹۵-۲۱۸. ۲۲۳. ۲۲۵. ۲۹۰. ۲۹۸-۳۰۴. ۳۱۷. ۳۳۵. ۳۷۸. ۳۸۴-۳۸۷. ۳۹۵-۳۹۷.

۲. أجوبة المسائل المُهَنّائية: العلامة الحلي، ج۱ ص ۳.

۳. ر. ک: «نضد القواعد الفقهية، ج۱، ص۷۰»، «القواعد و الفوائد ج۲ ص۱۸۰ ـ أربع رسائل كلامية؛ ص۲۲۷»، «الاربعون حديثا ج۱ ص۴۱۹»، «أنوار الحكمة؛ ص۱۸۰ ـ الشافي في العقائد و الأخلاق و الأحكام؛ ص۴۳۵ ـ علم‌اليقين في أصول الدين؛ ج۱؛ ص۲۴۹ ـ قرة العيون في المعارف و الحكم؛ ص۳۹۱ ـ الوافي ج۵ ص۷۳۵»، «درر نجفيّة ج۱، ص۳۴۵»، «القبسات، قبس عاشر، ص۴۷۰»، «شرح اصول كافی، ج۴، ص۱۸۹ و اسفار اربعه ج۶، ص۳۹۳»، «شرح الأسماء الحسنى؛ ص۶۲۸»، «شرح چهل حديث (اربعين حديث) ج۱ ص۵۸۱»، «اربعين الهاشميه، ص۹۵، ح۱۴».

«مؤلفان کتب حدیثی»، اصلی‌ترین جایگاه را در اعتبار روایت داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که اعتبار کتاب حدیثی، اعتبار احادیث مندرج در آن منبع را نتیجه می‌داده و بی‌اعتباری یا کم‌اعتباری منبع، باعث رویگردانی اصحاب از آموزه‌های راه‌یافته به آن اثر می‌شده است. شیخ طوسی در کتاب عدة الاصول خویش، این‌گونه از این واقعیت حدیثی دوره قدما، یاد کرده است:

حتی انّ واحداً منهم إذا أفتی بشئ لا یعرفونه سألوه من أین قلت هذا؟ فإذا أحالهم علی کتاب معروف، أو أصل مشهور، وکان راویه ثقة لا ینکر حدیثه سکتوا وسلّموا الامر فی ذلک وقبلوا قوله، وهذه عادتهم وسجیتهم مِن عهد النبي صلی الله علیه و آله ومَن بعده مِن الائمة علیهم السلام.[1]

ازاین‌روست که بیشینهٔ توصیفات رجالی (توثیقات و تضعیفات)، به این گروه از راویان اختصاص یافته است.[2] در پژوهش حاضر نیز در صدد دستیابی به اولین مصادر حدیثی هستیم که حدیث تردّد را در خود جای داده و منبع جوامع حدیثی بعدی شده است.

گذشته از این مسئله، «راویان ائمه علیهم السلام» نیز جایگاه ویژه‌ای را در صدور معارف حدیثی داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که اصل صدور حدیث و سطح معارف ارائه‌شده، تابع ویژگی‌های شخصیتی راویان معصوم است. ازاین‌رو گردآوری راویان احادیث تردد، که در صدور این دسته روایات نقش اصلی را داشته‌اند نیز در دستور کار این پژوهش قرار گرفته است.

برای دستیابی به این دو مهم، یعنی: شناسایی راویان اول و نیز کشف اولین کتب حدیثیِ دربردارندهٔ حدیث تردد، نیازمند استخراج همهٔ اسناد و تحلیل آن هستیم. در نمودار زیر، که برگرفته از اسناد حدیث تردّد در منابع مختلف حدیثی موجود است، راویان ائمه علیهم السلام و نیز مصادر موجود حدیثی، به صورت متمایز، به نمایش درآمده است:

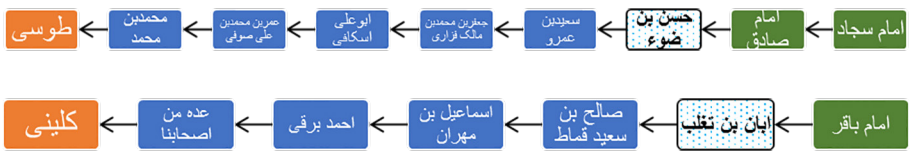

۱. عدة الاصول، ج ۱، ص ۱۲۶. همچنین شیخ بهائی در مقدمه «مشرق الشمسین ص۳۰-۲۶» و نوهٔ شهید ثانی در مقدمه «منتقی الجمان ج۱، ص ۱۴» در خلال بررسی قرائن اعتبار سنجانهٔ حدیث به این مسئله می‌پردازند و قرائن مختلفی را که همه حول محور کتاب حدیثی هستند، یاد می‌کنند.

۲. ر. ک: اعتبارسنجی احادیث شیعه: ۲۱۵-۱۷۳.

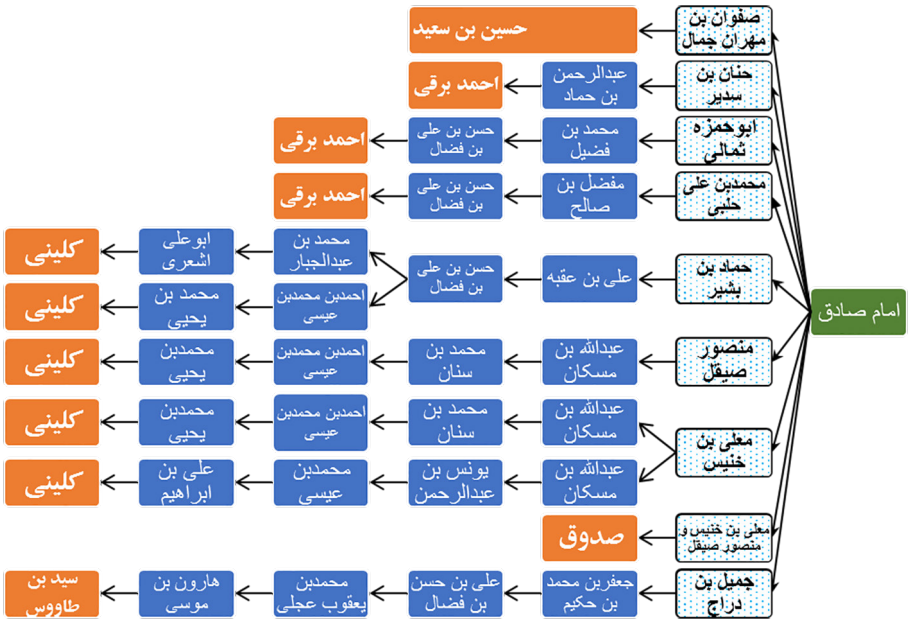

الف) راویان اولیه حدیث

نتیجهٔ گردآوری راویان اولیه حدیث، که این حدیث را از ائمه علیهم‌السلام دریافت کرده‌اند، به قرار زیر است:

ردیف	راوی اول حدیث	شخصیت حدیثی
۱	جمیل بن دراج	از اصحاب اجماع طبقه دوم
۲	ابان بن تغلب	از راویان ثقه جلیل‌القدر
۳	ابوحمزه ثمالی	از راویان ثقه جلیل‌القدر
۴	صفوان بن مهران	از راویان ثقه جلیل‌القدر
۵	محمد بن علی حلبی	از راویان ثقه جلیل‌القدر
۶	حنان بن سدیر	از راویان ثقه
۷	معلی بن خنیس	از راویان مورد اختلاف
۸	حسن بن ضَوء	مدخلی به این راوی اختصاص داده نشده
۹	حماد بن بشیر	توصیفی درباره این راوی گزارش نشده
۱۰	منصور صیقل	توصیفی درباره این راوی گزارش نشده

گفتنی است در میان راویان بالا، به جز سه راوی پایانی که اطلاعات تأثیرگذاری درباره‌شان در دست نیست، دیگر راویان، همه از حوزه حدیثی کوفه هستند.

ب) کتب حدیثی موجود

با نگاه به منابع حدیثی موجود در عصر حاضر، که به یادکرد این حدیث پرداخته‌اند، می‌توان نام معتبرترین منابع حدیثی امامیه را یافت، از جمله: المؤمن حسین بن سعید اهوازی، المحاسن احمد برقی، الکافی کلینی، مصادقة الاخوان شیخ صدوق، امالی شیخ طوسی و فلاح السائل سید ابن طاووس.

ج) کشف مصادر مکتوب مورداستفادهٔ صاحبان جوامع حدیثی

با توجه به کتاب‌محور بودنِ حدیث شیعه، هم در عرصهٔ ثبت و انتقال حدیث و هم در عرصهٔ اعتبارسنجی آن[1]، با این واقعیت مواجهیم که مؤلفان جوامع حدیثی، به گاه نگارش کتب خویش، از منابع مکتوب پیش از خود بهره می‌جسته‌اند. ازاین‌رو می‌توان به این اطمینان رسید که هر حدیث، نه به‌دست‌آمده از فرایند نقل شفاهی، بلکه برگرفته از یکی از مصادر حدیثی پیش از عصر مؤلف است. این پدیده دربارهٔ حدیث تردد نیز جاری است. بدین معنا که یک جامع‌نگار متقدم همچون کلینی یا احمد برقی، این حدیث را از مصادر مکتوب پیش از خود برگزیده و به جامع خویش وارد ساخته است.

ازآنجایی‌که یکی از مؤلفه‌های اصلی اعتبار هر حدیث، مصدری است که حدیث را در خود جای داده[2]، کشف مصدر مکتوب جوامع حدیثی در هر حدیث، می‌تواند تأثیر بسزایی در اعتبار آن حدیث داشته باشد. ازاین‌رو در این بخش در پی آنیم که با تحلیل اسناد حدیث تردد در منابع حدیثی موجود، به ردیابی این حدیث در مصادر حدیثی اولین، دست‌یابیم.

شیوهٔ کشف مصدر مکتوب، برپایه‌هایی استوار است که در این پژوهش، به تناسب اسناد حدیثی موردبحث، از برخی از آن‌ها بهره برده‌ایم. ابزارهایی چون: شهرت کتاب، انطباق موضوع کتاب با روایت، انطباق سند روایت با طریق کتاب، عطف در اسناد حدیثی و... .[3]

---

۱. ر. ک: تاریخ حدیث مکتوب شیعه در دوران نخستین، عباس مفید.

۲. در صفحات پیش، کلام شیخ طوسی در عدة الاصول در تأیید این نکته، گذشت.

۳. برای آگاهی از دیگر نشانه‌ها، ن. ک: بررسی روایت به روش فهرستی، فصل سوم، ص۵۷ به بعد.

تحلیل و بررسی اسناد حدیث تردد

در تحلیل هر سند، با توجه به داده‌های کتابشناسانۀ منابع فهرستی، سعی در کشف مصدر مکتوب جامع‌نگاران شیعی خواهیم داشت:

۱. کتاب المؤمن، حسین بن سعید اهوازی

۶۱- وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صلى‌الله‌عليه‌وآله

۶۲- وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَل

۶۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ يَقُولُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ

۸۰- وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: يَقُولُ اللهُ عَزَّ وَ جَل

در کتاب المؤمن، که در شمار آثار متقدم حدیثی در قرن سوم قرار دارد، با چهار حدیث تردد پشت سر هم روبروییم. هر چند در نگاه اول، همگی این اسناد، مرسل است ولی با توجه به اسناد قبلی، «تعلیق» را شاهدیم. در حدیث ۶۰، «صفوان بن مهران جمّال» در جایگاه راوی امام صادق عليه‌السلام، حضور یافته است: «عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُول». از این رو سه سند بعدی را نیز می‌توان از صفوان جمّال دانست. در حدیث چهارم نیز همین اتفاق افتاده و مؤلف، حدیث ۸۰ را بر حدیث ۷۵، با حضور صفوان جمّال، معلّق کرده است.

بنابراین، هر چند کتاب المؤمن حسین بن سعید، یکی از مصادر حدیثی دوره قدمای امامیه شمرده می‌شود و خود، اعتبار این حدیث را، به‌ویژه با تکرار چهارباره آن، ارتقا بخشیده، ولی می‌توان کتاب مشهور صفوان جمّال[1] را به عنوان مصدر مکتوب حسین اهوازی، گمانه زد.[2]

---

۱. نجاشی، استقبال از این کتاب را در زمان مؤلف، گزارش کرده است: «له کتاب یرویه جماعة» (رجال النجاشی: ص۱۹۸ ش۵۲۵)

۲. با نگاه به منابع فهرستی و اسناد روایات، می‌بینیم که حسین بن سعید در طریق کتاب صفوان قرار نگرفته و در اسناد حدیثی نیز معمولاً با یک واسطه از وی نقل کرده است. راویانی چون: عبدالرحمن بن ابی‌نجران و قاسم بن محمد جوهری. این نکته، بهره‌گیری حسین بن سعید از کتاب صفوان را، بدون اشاره به راوی آن کتاب، افزایش می‌دهد. از این رو، در اینگونه اسناد در کتاب المؤمن، باید افتادگی در

۲. کتاب المحاسن، حدیث اول:

عَنْهُ [احمد البرقی[۱]] عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله.[۲]

در این سند، شاهد حضور دو راوی صاحب کتاب هستیم: «عبدالرحمن بن حماد» و «حنان بن سدیر». شاید بتوان با توجه به نشانه‌هایی که در ادامه سخن، بازگو می‌کنیم، مصدر مکتوب این روایت را به‌عنوان مأخذ احمد بن محمد بن خالد برقی، کتاب حدیثی حَنان بن سَدیر معرفی کنیم. نجاشی، این‌گونه حنان بن سدیر و کتاب حدیثی او را برمی‌شناساند:

حَنان بن سَدیربن حُکیم... روی عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام له کتاب في صفة الجنة و النار... و أول هذا الکتاب: إذا أراد الله قبض روح.[۳]

از گزاره‌های افزایش اعتبار کتاب حنان، افزون بر وثاقت وی، می‌توان به نقل این کتاب توسط ابن ابی عمیر و حسن بن محبوب، که هر دو از اصحاب اجماع به شمار می‌آیند، اشاره کرد:

حنان بن سدیر ثقة. له کتاب. رُوِّیناه بالإسناد الأول [عدة من أصحابنا عن أبي المفضل عن ابن بطة عن أحمد بن أبي عبدالله] عن ابن أبي عمیر و الحسن بن محبوب عنه.[۴]

اسناد (سقط) را پذیرفت.

۱. در همه اسناد کتاب المحاسن برقی، شاهد حضور ضمیر «عنه» هستیم. از آنجایی که در اولین سند کتاب، نام مؤلف یعنی احمد بن محمد بن خالد برقی، جای گرفته، همه ضمائر موجود در ابتدای همه اسناد کتاب، به مؤلف یعنی احمد برقی، بازمی‌گردد.

۲. المحاسن، ج ۱، باب ۴۷ ص۲۹۱، ح۴۴۳.

۳. رجال النجاشي، ص۱۴۶.

۴. فهرست الطوسي، ص۱۶۴. در طریق نجاشی به کتاب حنان نیز شاهد حضور برخی از اجلای ثقات، چون علی بن حسن بن فضال هستیم: «أخبرنا شیخنا أبوعبد الله عن محمد بن أحمد بن الجنید قال: حدثنا عبد الواحد بن عبد الله بن یونس قال: حدثنا محمد بن أحمد بن یعقوب بن إسحاق بن عمار قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال قال: حدثني إسماعیل بن مهران عن حنان بن سدیر عن أبي عبد الله [علیه السلام]». رجال النجاشی، ص۱۴۶.

در شرح‌حال حنان بن سدیر به وجود کتابی که موضوع آن درباره اوصاف جهنم و بهشت است، برمی‌خوریم و از جمله آغازین آن معلوم می‌شود که کتاب، حاوی موضوعاتی ازجمله مرگ و قبض روح است که دقیقاً با محتوای حدیث تردد مطابقت دارد.

له كتاب في صفة الجنة و النار... أول هذا الكتاب: إذا أراد الله قبض روح.[1]

نجاشی در شناساندن کتاب حنان به حدیثی اشاره می‌کند که در اذهان مخاطبان مشهور بوده است. ازاین‌روست که نجاشی، برای معرفی کتاب حنان و محتوای آن، به یادکرد کلمات ابتدایی حدیث مشهور «اذا اراد الله قبض روح...» بسنده می‌کند.

هرچند در مسیر احمد برقی تا امام صادق علیه‌السلام، با دو مؤلف روبروییم؛ ولی با توجه به مؤلفه‌های زیر، می‌توان اولین مصدر مکتوب این حدیث و نیز کتاب مورداستفاده احمد برقی را کتاب «صفة الجنة و النار» حنان بن سدیر دانست:

۱. انطباق موضوع کتاب حنان بن سدیر با روایت موردبحث[2]؛

۲. شهرت کتاب حنان بن سدیر، که از تعداد فراوان روایات وی و نیز تعدد طرق به کتابش، به‌دست می‌آید.

۳. مقبولیت و وثاقت حنان بن سدیر از سویی و نگاه منفی به عبدالرحمن بن حماد از دیگر سوی.

بر فرض پذیرش این گمانه، عبدالرحمن بن حماد، کتاب حنان بن سدیر را در کوفه دریافته و در قم به احمد برقی انتقال داده است. توضیح بیشتر آنکه؛ عبدالرحمن بن حماد ازجمله راویان کوفی است که بعد از افول حوزه حدیثی کوفه، مانند بسیاری از محدثان آن دیار، چون: محمد بن علی ابوسمینه و ابراهیم بن هاشم، به قم مهاجرت کرد و در خانه احمد برقی ساکن شد. این مصاحبت، بستر انتقال کتاب‌های حدیثی از عبدالرحمن به احمد برقی را فراهم کرد.[3] طریق کتاب عبدالرحمن بن حماد در فهرست الطوسی، که

---

۱. رجال النجاشي، ص۱۴۶.

۲. حال آن که در دو فهرست نجاشی و طوسی، از تألیف عبدالرحمن بن حماد، با عنوان «له كتاب» یاد شده است.

۳. عبد الرحمن بن أبي حماد أبو القاسم كوفي صيرفي انتقل إلى قم و سكنها و هو صاحب دار أحمد بن أبي

توسط احمد برقی منتقل شده، گواه دیگری بر این مدعاست.[۱]

بر پایهٔ داده‌های رجالی، از عبدالرحمن بن حماد، چهره‌ای منفی و متهم به غلو در حوزه حدیثی قم منعکس شده است.[۲] ثقه نبودن و حتی وجود اتهاماتی دربارهٔ شخصیت حدیثی عبدالرحمن، به اعتبار کتاب حنان بن سدیر و نیز آموزه‌های راه‌یافته به آن، صدمه‌ای وارد نمی‌کند؛ چه اینکه اعتبار یک کتاب حدیثی، نه بر پایهٔ وثاقت ناقلان آن، بلکه در گرو قرائن نسخه‌شناختی موجود در نسخه‌های آن کتاب است.[۳]

۳. کتاب المحاسن، حدیث دوم:

عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ فُضَيْلٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام.[۴]

در این سند، سه راوی نقش‌آفرینی کرده‌اند: ۱- ابوحمزه ثمالی ثابت بن دینار ۲- محمد بن فضیل صیرفی ۳- حسن بن علی بن فضال. هر سه راوی، از مؤلفان شیعی به حساب می‌آیند. بنابراین باید به‌دنبال قرائنی گشت که مشخص کند این روایت از کتاب حدیثی کدام‌یک از این محدثان برداشت شده است:

۱. از میان این سه نفر، ابن فضال و ابوحمزه ثمالی[۵]، راویان ثقه و نام‌آشنایی هستند که تألیفات مشهوری دارند. در مقابل، محمد بن فضیل، از ناقلان برخی آثار ابوحمزه ثمالی و از اصلی‌ترین راویان احادیث وی در اسناد حدیثی[۶] به شمار می‌رود. توجه

عبد الله البرقي. (رجال النجاشي، ص۲۳۸).

۱. رويناه بالإسناد الأول عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن عبد الرحمن بن حماد (فهرست الطوسي، ص۳۱۲).

۲. «رمي بالضعف و الغلو» رجال النجاشي: ص۲۳۹. «ضعيف جدا لا يلتفت إليه في مذهبه غلو» رجال ابن الغضائري: ص۸۱.

۳. ر. ک: ابراهیم بن هاشم بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت: ص۱۵۸

۴. المحاسن، ج۱، ص۱۵۹، ح۹۹.

۵. رجال النجاشي، ص ۱۱۵: «ثابت بن دينار... كان من خيار أصحابنا و ثقاتهم و معتمديهم في الرواية و الحديث.» همچنین: الفهرست: ص۱۲۳: «روى عن الرضا عليه‌السلام و كان خصيصاً به، كان جليل القدر عظيم المنزلة زاهدا ورعا ثقة (في الحديث و) في رواياته»

۶. [ثابت بن أبي صفية أبو حمزة الثمالي] له رسالة الحقوق عن علي بن الحسين عليه‌السلام أخبرنا أحمد بن علي

به این نکته، گمانهٔ مصدر مکتوب را تنها به سمت آثار حسن بن فضال و ابوحمزه معطوف می‌دارد.

۲. ابوحمزه ثمالی که از اصحاب امام سجاد تا امام کاظم علیهم‌السلام است و راوی رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام نیز بوده[۱] بر خلاف ابن‌فضال، نقش طریقی نسبت به کتب حدیثی دیگر محدثان نداشته است. این ویژگی در حسن بن فضال، به‌گونه‌ای دیگر است، بدین معنا که هم وی را در شمار بزرگ‌ترین و معتمدترین اصحاب ائمه علیهم‌السلام می‌یابیم و هم شاهد فعال‌بودنش در طریق انتقال کتب اصحاب امامیه هستیم. افزون بر نام‌بردنِ کشّی از وی در شمار اصحاب اجماع[۲]، شیخ طوسی این‌گونه حسن بن فضال را یادکرده است:

> الحسن بن علي بن فضال... روى عن الرضا علیه‌السلام و كان خصيصاً به، كان جليل القدر عظيم المنزلة زاهدا ورعا ثقة (في الحديث و) في رواياته. له كتب.[۳]

۳. اشتهار نسخه‌های آثار ابوحمزه ثمالی، به دلیل جایگاه ویژهٔ وی نزد ائمه علیهم‌السلام و نزد اصحاب، گمانهٔ اخذ حدیث تردد از کتاب‌های ابوحمزه را تقویت می‌کند. در میان آثار وی، کتاب النوادر، شاید متناسب‌ترین کتاب با حدیث تردد باشد؛ چه اینکه حسن بن محبوب که در شمار روایت‌گران ابوحمزه نیست، بدون ذکر طریق، به روایت این کتاب همت گمارده و خود را در نگاه برخی محدثان، مورد اتهام قرار داده است.[۴]

قال: حدثنا الحسن بن حمزة قال: حدثنا علي بن إبراهيم عن أبيه عن محمد بن الفضيل عن أبي حمزة عن علي بن الحسين علیه‌السلام. رجال النجاشي، ص ۱۱۶. همچنین وی، در میان روایت‌گران ابوحمزه، دومین رتبه را پس از حسن بن محبوب، به خود اختصاص داده است.

۱... . له رسالة الحقوق عن علي بن الحسين علیه‌السلام (رجال النجاشي، ص ۱۱۶).

۲. «أجمع أصحابنا على تصحيح ما يصح عن هؤلاء و تصديقهم و أقروا لهم بالفقه و العلم: و هم ستة نفر... و قال بعضهم: مكان الحسن بن محبوب: الحسن بن علي بن فضال». رجال الكشي، ص ۵۵۶.

۳. فهرست الطوسي، ص ۱۲۳.

۴. کشی، به نقل از نصربن صباح، چنین نقل می‌کند: احمد بن محمد بن عیسی... ما کان یروی عن ابن محبوب، من اجل ان اصحابنا یتهمون ابن محبوب فی روایته عن ابی حمزة ثم تاب و رجع عن هذا القول. رجال النجاشی، ص۸۲، ش۱۹۸. رجال الکشی، ص۵۱۲، ش۹۸۹. گمانه‌ای که برای توجیه نقل

بر پایهٔ آنچه گذشت، هرچند گمانهٔ اخذ از کتاب النوادر ابوحمزه ثمالی تقویت می‌شود، ولی امکان اخذ از برخی کتب حسن بن فضال، چون: کتاب النوادر، کتاب البشارات و یا کتاب الزهد، منتفی نیست. بر پایهٔ گمانهٔ دوم، می‌توان گفت: هرچند مصدر مکتوب اولیه این حدیث، کتاب النوادر ابوحمزه بوده، ولی احمد برقی در کتاب المحاسن، آن را از منبع واسطه‌ای چون کتاب البشارات حسن بن فضال دریافت داشته است.

۴. کتاب المحاسن، حدیث سوم:

عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام.[۱]

در این سند نیز با سه راوی مواجهیم: حسن بن علی بن فضال، مفضل بن صالح ابوجمیله و محمد بن علی بن ابی‌شعبه حلبی. نام هر سه را در منابع فهرستی می‌یابیم. برای پی بردن به منبع مکتوب محاسن، توجه به داده‌های زیر، تأثیرگذار است:

۱. هرچند ابوجمیله مفضّل بن صالح در فهرست شیخ طوسی، در شمار مؤلفان شیعی قرارگرفته، ولی در فهرست نجاشی، هیچ مدخلی به وی اختصاص نیافته است. این، بدان معناست که ابوجمیله در نزد نجاشی، از صاحبان کتب حدیثی به‌حساب نیامده است.[۲] این نکته، نقش طریقی ابوجمیله را نسبت به کتاب محمد حلبی تقویت می‌کند. چه اینکه در اسناد روایات، به فراوانیِ روایات مفضل بن صالح از محمد حلبی برمی‌خوریم.[۳]

۲. محمد بن علی حلبی، از چهره‌های سرشناس اصحاب امامیه است که بیشینهٔ روایات خویش را از امام صادق عليه‌السلام دریافت داشته است. نجاشی با تعبیر «وجه أصحابنا و فقيههم؛ و الثقة الذي لا يُطعن» وی را ستوده و دو کتاب: «التفسير» و

حسن بن محبوب از کتاب نوادر به ذهن می‌رسد، اشتهار فراوان کتاب النوادر ابوحمزه است.

۱. المحاسن ج۱، ص۱۶۰، ح۱۰۰.

۲. نجاشی در ترجمه جابربن یزید، مفضل بن صالح ابوجمیله را یکی از راویان برجستهٔ وی اعلام داشته است. رجال النجاشی، ص۱۲۸، ش۳۳۲،

۳. در ۲۱ سند فقط از کتاب کافی.

«الحلال و الحرام» را به وی منتسب می‌داند.[۱] همخوانی نداشتنِ عنوان و موضوع این دو کتاب با حدیث تردد از سویی و نبود قرینه‌ای بر اشتهار و ویژگی خاص داشتنِ کتاب حلبی از دیگر سوی، امکان بهره‌مندی احمد برقی از این کتاب را کاهش می‌دهد. شاید این دو نکته را بتوان نشانه‌ای از استفادهٔ مستقیم احمد برقی از کتاب‌های حسن بن فضال دانست.

هرچند مسیر انتقال حدیث «ابن‌فضال عن ابی‌جمیلة عن محمد الحلبی» را می‌توان در کتاب‌های دیگری نیز مشاهده کرد[۲] و آن را نشانه‌ای بر نقش طریقی ابن‌فضال به حساب آورد، ولی نشانه‌های بالا را نمی‌توان نادیده گرفت. افزون بر این، رابطه «ابن‌فضال عن ابی‌جمیلة» که در کتاب المحاسن به راویان دیگری چون: ابوبکر حضرمی، ثویر بن ابی‌فاخته، محمد بن مروان، زید شحام و... ختم می‌شود نیز، نشانه دیگری است بر راهیابی روایات این افراد به کتاب‌های حسن بن علی بن فضال و بهره‌مندی احمد برقی از این آثار. این روابط روایی، بر برجستگیِ نقش طریقیِ ابوجمیله مفضل بن صالح نیز دلالت دارد.

با توجه به این نکته و نکته‌ای که در حدیث پیش گفته شد، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد: از آنجا که «حسن بن علی بن فضال» در هر دو نقش خویش: طریقی و تألیفی، فعال و برجسته بوده، هرگاه وی در مسیر کتابی مشهور که ویژگی‌های خاصی دارد قرار گرفت، می‌توان وی را در نقش طریقی‌اش دید؛[۳] ولی به گاه حضور در مسیر کتاب‌هایی که چنین ویژگی نداشته باشد، گمانهٔ بهره‌مندی از کتاب‌های خود ابن‌فضال، تقویت می‌شود.[۴]

---

۱. رجال النجاشي، ص ۳۲۵: له كتاب التفسير... و له كتاب مبوب في الحلال و الحرام. البته از این عبارت برمی‌آید که این کتاب، ناظر بر مباحث حلال و حرام (فقه) است، نه اینکه نامش حلال و حرام باشد.

۲. در کتاب کافی، شاهد ۱۲ رخداد چنین رابطه‌ای هستیم: ابن فضال، عن ابی‌جمیله، عن محمد الحلبی. (نرم‌افزار درایه النور، محیط اسناد، سربرگ ارتباط)

۳. از این رو در مسیرهایی چون: «ابن فضال عن العلاء عن محمد بن مسلم» یا «ابن فضال عن ابن فضیل عن ابی‌حمزة» می‌توان نقش طریقی وی را نمایان دید. در سند اول، ابن‌فضال یکی از مسیرهای اصلی کتاب مشهور علاء بن رزین است.

۴. از این رو در کتاب المحاسن، در سندی چون: «ابن‌فضال عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم»، ابن‌فضال را طریق کتاب علاء بن رزین می‌دانیم، ولی در اسنادی چون: «عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ

۵. کتاب الکافی، حدیث اول:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام.[۱]

قرائنی که گویای منبع مکتوب حدیث بالاست، بدین شرح است:

۱. حمّاد بن بشیر، راوی اصلی روایت و دریافت‌کنندهٔ حدیث از امام صادق عليه‌السلام، در هیچ‌یک از منابع فهرستی، مدخل نشده است. تنها، شاهد درج نام وی در کتب طبقه‌نگاری، در شمار اصحاب الصادق عليه‌السلام، بدون هیچگونه توصیف هستیم[۲]. نبود نامش در شمار مؤلفان و نه در طریق کتب دیگران از سویی و اندک بودن روایاتش از دیگر سوی، نشان از آن دارد که وی معدود روایاتش را به صورت شفاهی به اصحاب امامیه انتقال داده است.[۳]

۲. با بررسی و تحلیل اسناد کتاب کافی این نکته هویدا می‌شود که در بیشینهٔ این کتاب، دو نفر ابتدای سند، طریق به آثار پیشینیان هستند و مصدر مکتوب کلینی را باید در حلقه‌های بعدی سند جُست. سند مورد بحث نیز همین وضعیت را دارد؛ محمد بن یحیی از طریق احمد اشعری و نیز احمد بن ادریس (ابوعلی اشعری) از محمد بن عبدالجبار قمی، طریق کلینی هستند به مصدر مکتوب این حدیث. با توجه به حذف حماد بن بشیر از میان گزینه‌های محتمل، نیازمند قرائنی هستیم که مصدر مکتوب این حدیث را از آثار ابن‌فضال یا علی بن عقبه برای ما برنمایاند.

أَصْحَابِهِ» یا «عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام»، می‌توان منبع حدیث را کتاب‌های ابن‌فضال دانست.

۱. الکافی، ج ۲، ص۳۵۲، ح۷.

۲. در رجال البرقی: ص۲۱: با عنوان «حماد بن بشر، روی عنه أبان.» از وی یاد شده است. رجال الطوسی نیز نام وی را در شمار اصحاب الصادق عليه‌السلام به تنهایی درج کرده است. ص۱۹۴، ش۲۸۷.

۳. در مقاله «تحلیل پدیدهٔ ترجمهٔ ضمنی در رجال نجاشی؛ گونه‌ها و دستاوردها»، بر پایه قرائن اثبات شده که بخشی از راویان امام باقر و امام صادق عليهما‌السلام، هرچند به نگاشتن احادیث اهتمام داشته‌اند، ولی مجموعه مکتوب خویش را در اختیار شاگردان قرار نداده‌اند؛ بلکه بخشی از معارف دریافتی را به صورت شفاهی و در جلسات درس خویش، به شاگردان تعلیم داده‌اند.

۳. پیش از این، با حسن بن فضال آشنا شدیم. شناخت شخصیت علی بن عقبة، می‌تواند در بازشناسی مصدر مکتوب کلینی، کارایی فراوان داشته باشد. نجاشی وی را اینگونه توصیف کرده است:

علي بن عقبة بن خالد الأسدي، أبو الحسن مولى، كوفي ثقة ثقة، روى عن أبي عبد الله عليه‌السلام. له كتاب يرويه جماعة.[1]

برپایه توصیف نجاشی، علی بن عقبه، جدای از وثاقت و جلالت و روایت‌گری از امام صادق عليه‌السلام، دارای کتابی است مشهور، که جماعتی از راویان شیعه به دریافت آن همت گمارده‌اند. شیخ طوسی نیز مسیر دستیابی به کتاب مشهور وی را اینگونه برمی‌شناساند:

أخبرنا الحسين بن عبيد الله عن محمد بن علي بن الحسين عن محمد بن الحسن بن الوليد عن الصفار عن أحمد بن محمد عن الحسن بن علي بن فضال عن علي بن عقبة.[2]

جالب آن‌که راوی این کتاب، حسن بن فضال معرفی شده است. بنابراین، می‌توان حسن بن فضال را در این سند مورد بحث، راوی کتاب مشهور علی بن عقبه دانست و وی را در نقش طریقی‌اش برشناساند.

برخی رجال‌پژوهان معاصر بر این باورند که عطف در سند، گویای بهره‌مندی از منبع مکتوب است، بدین معنا که با انتهای بخش عطفی سند با تعبیر «جمیعا» به «ابن‌فضال»، می‌توان برداشت کرد که احمد اشعری و محمد بن عبدالجبار، هر دو این حدیث را از کتاب ابن‌فضال دریافت داشته‌اند. با پیوستن این نکته به جمع‌بندی پایانی حدیث چهارم، شاید بتوان این گمانه را اصلاح کرد و گفت: انتهای بخش عطفی سند به یک راوی، گویای آن است که آن راوی، در بیشینهٔ موارد، یا مؤلف کتاب حدیثی است یا راوی و طریق آن کتاب[3]. در این سند، ابن‌فضال را به عنوان راوی کتاب علی بن عقبه دانستیم که سند عطفی به وی پایان‌یافته است.

---

۱. رجال النجاشی ص ۲۷۱ ش ۷۱۰.

۲. فهرست الطوسی ص ۲۶۹ ش ۳۸۵.

۳. حضور جمعی از مشایخ کلینی در ابتدای اسناد کافی با تعبیر «عدة من اصحابنا» نیز نشانه دیگری بر

۶. کتاب الکافی، حدیث دوم:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام.[۱]

برای پی بردن به مصدر مکتوب این حدیث، چه مصدر اولیه و چه مصدر واسطه، توجه به قرائن زیر ضروری است:

۱. تعبیر «عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد» در کتاب الکافی، حاکی از نقش طریقی «عده» و نیز نقش طریقی «احمد برقی» است؛ چه اینکه در منابع فهرستی، این گروه از مشایخ کلینی که با تعبیر «عدة من اصحابنا» از ایشان یاد شده[۲]، طریق به کتاب محاسن یا دیگر کتاب‌های احمد برقی یاد نشده‌اند.

۲. ابان بن تغلب، راوی اصلی حدیث از امام باقر علیه‌السلام، از والاترین اصحاب ائمه علیهم‌السلام بوده[۳] که در زمان زندگی و پس از مرگ[۴] نیز از وی به نیکی یادکرده‌اند. ابان جزو راویانی

درستی این برداشت است. نجاشی در مدخل کلینی از این عده، اینگونه پرده‌گشایی کرده است: « و قال أبوجعفر الكليني: كل ما كان في كتابي عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسى، فهم: محمد بن يحيى و علي بن موسى الكميذاني و داود بن كورة و أحمد بن إدريس و علي بن إبراهيم بن هاشم.» (رجال النجاشی: ص۳۷۷ ش۱۰۲۶). آیا این عطف را نیز می‌توان حمل بر آن کرد که پس از عطف، یعنی احمد اشعری، مؤلف کتاب حدیثی است؟! پرواضح است که احمد اشعری، یکی از انتقال‌دهندگان بزرگ حدیث از کوفه به قم بوده است و در بیشینه موارد، در نقش طریقی، ظاهر شده است؛ نه آن که مؤلف کتاب حدیثیِ مورد استفاده کلینی بوده باشد.

همچنین عطف‌های واقع در طرق کتاب‌های حدیثی در منابع فهرستی، نیز نشانه دیگری بر این باور است. برای نمونه، ن. ک: فهرست الطوسی: ص۱۲ ش۱۷، ص۴۸ ش۶۲ و... .

۱. الکافی، ج۲، ص۳۵۲، ح۸.

۲. برپایه سخن علامه حلی در خاتمه سوم خلاصة الاقوال (ص۲۷۱)، «عدة من اصحابنا عن احمد البرقی» در کتاب کافی شامل این افراد می‌شود: علی بن ابراهیم بن هاشم، علی بن محمد بن عبدالله بن اذینه، احمد بن عبدالله بن أمیة، علی بن الحسن (الحسین السعد آبادی).»

۳. عظيم المنزلة في أصحابنا لقي علي بن الحسين و أبا جعفر و أبا عبد الله علیهم‌السلام روى عنهم و كانت له عندهم منزلة و قدم (رجال النجاشي، ص ۱۰ ـ فهرست الطوسي ص ۴۴).

۴. «عن أبان بن تغلب قال: قال لي أبو عبد الله علیه‌السلام جالس أهل المدينة، فإني أحبّ أن يروا في شيعتنا مثلك.» همچنین: «ذكرنا أبان بن تغلب عند أبي عبد الله علیه‌السلام فقال: رحمه الله، أما و الله لقد أوجع قلبي موت أبان» (رجال کشی: ص۳۳۰)

است که در اسناد اهل سنت نیز نقش ایفا کرده و محافل علمی اهل سنت را با معارف روایی ائمه علیهم‌السلام آراسته است. نمونه بارز آن، راهیابیِ حدیث تردد به‌واسطه ابان بن تغلب از امام باقر علیه‌السلام در میان روایات اهل سنت است.[1] در منابع فهرستی دو کتاب برای ابان بن تغلب یاد شده: کتاب الفضائل و کتاب غریب القرآن.[2] با نگاه به موضوع این دو کتاب و منطبق‌نبودن طریق کتاب‌های ابان با سند مورد بحث و یا حتی شباهت اندک، می‌توان این گمانه را مطرح کرد که این حدیث، از دو کتاب وی نبوده، بلکه از مجموعه احادیثی است که ابان به صورت شفاهی در اختیار شاگردان خویش قرار داده است.

۳. ابوسعید قمّاط، که همان صالح بن سعید قماط[3] است، در شمار اصحاب الصادق علیه‌السلام و برپایه تعبیر «له کتاب یرویه جماعة»، نگارنده کتابی مشهور است[4].

---

۱. نکته حائز اهمیت، نقل این روایت از طریق راویان شیعه در کتب اهل سنت است. خطیب بغدادی حدیث تردد را با مسیر «محمد بن حسین العطار از ابوجمیله مفضل بن صالح، از ابان بن تغلب» به امام باقر علیه‌السلام رسانده، سپس از طریق امام سجاد و امام حسین و امیرالمؤمنین علی علیهم‌السلام به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله رسیده است. (الکفایه فی علم الدرایه ج ۳، ص ۸۷. به نقل از مقاله «جایگاه حدیث قرب نوافل در منابع فریقین و بررسی تطبیقی رویکرد عرفا و محدثان نسبت به آن»). با وجود اینکه مفضل بن صالح با داشتن ۱۶ حدیث در کتب کافی و تهذیب و الفقیه، بیشترین حدیث را از ابان بن تغلب نقل کرده، ولی حدیث تردد، برخلاف کتب اهل سنت، از این طریق در مصادر شیعه نقل نشده و هرکدام از ابوجمیله و ابان، در سندهای مجزا راوی حدیث تردد هستند. این نکته نشان از آن دارد که مسیرهای انتقال حدیث تردد، چه سند و چه طریق، بیش از آنی است که امروزه در دسترس ماست.

۲. رجال النجاشی ص ۱۱ ش ۷. و فهرست الطوسی ص ۴۵ ش ۶۱.

۳. نجاشی در مدخل ۳۸۷ وی را به اشتباه، خالد بن سعید ابوسعید قماط شناسانده است.

۴. نجاشی (همان) شهرت کتاب ابوسعید را اینگونه گزارش می‌کند: «له کتاب یرویه جماعة منهم عبیس بن هشام الناشري». شیخ طوسی نیز در مدخل ۳۶۳ در طریق کتاب وی، اشاره به تعدد راوی می‌کند: «صالح بن سعید القماط. له کتاب. أخبرنا ابن أبي جید عن ابن الولید عن الصفار عن إبراهیم بن هاشم و غیره من أصحاب یونس عن صالح بن سعید.» گفتنی است که در این سند، سقط رخ داده؛ چه اینکه ابراهیم بن هاشم یا شاگردان یونس بن عبدالرحمن، امکان اخذ این کتاب را نداشته و حتما در این طریق، افتادگی وجود دارد. با تغییراتی چون: «و غیره من اصحاب یونس عن یونس عن صالح» یا «و غیره عن یونس عن صالح» و... می‌توان این تصحیف را اصلاح کرد.

شهرت کتاب صالح بن سعید، این گمانه را ایجاد می‌کند که مصدر مکتوب این حدیث و منبع کلینی برای نگارش آن، کتاب صالح بوده؛ ولی با توجه به نکات مهمی که درباره «اسماعیل بن مهران» در پی خواهد آمد، این گمانه تضعیف می‌شود.

۴. اسماعیل بن مهران سکونی، هرچند که مذمتی را از سوی ابن‌غضائری[۱] درباره‌اش شاهدیم، ولی از سوی دیگررجالیان شیعه، چون: نجاشی، طوسی، کشی و عیاشی[۲]، توثیق و پیراسته از اتهامات شده است. نجاشی و طوسی، کتاب‌هایی چون: ملاحم، ثواب القرآن، اهلیلجه، صفة المؤمن و الفاجر، خطب امیرالمؤمنین علیه‌السلام و النوادر را با یادکرد طرق متعدد، برای وی برشمرده‌اند. این امر حاکی از اشتهار کتاب‌های وی است؛ به ویژه با نگاه به تعداد بالای روایات وی در کتب اربعه حدیثی شیعه.

حال، اگر گمانهٔ اخذ حدیث از کتاب صالح بن سعید را ارائه دهیم و اسماعیل بن مهران را طریق کتاب صالح برشمریم، باید شاهد روایات فراوان اسماعیل از صالح باشیم؛ در حالی که در کتب اربعه حدیثی، تنها با سه حدیث اینگونه مواجهیم. از دیگر سوی، شیخ طوسی، احمد بن محمد بن خالد برقی را راوی کتاب اسماعیل بن مهران معرفی کرده است[۳] و از طرفی، اصلی‌ترین روایت‌گر اسماعیل بن مهران در اسناد کتب حدیثی، احمد برقی است. جالب آن‌که برپایه داده‌های فهرستی، احمد برقی هیچگاه در طریق کتب حدیثی دیگران به واسطه اسماعیل بن مهران، به جز کتاب‌های خود اسماعیل، قرار نگرفته است. از این رو می‌توان مصدر مکتوب این حدیث نزد کلینی را کتاب اسماعیل بن مهران دانست. انطباق عنوان کتاب «صفة المؤمن و الفاجرِ» اسماعیل بن مهران، بر حدیث تردد، نشانه گویای دیگری است بر این گمانه قوی.

---

۱. ابن‌غضائری به تضعیف وی نپرداخته و تنها اشکالاتی را متوجه میراث حدیثی‌اش کرده است: «ليس حديثه بالنقي، يضطرب تارة و يصلح أخرى، و يروي عن الضعفاء كثيرا و يجوز أن يخرج شاهدا.» ابن‌الغضائري ص ۳۸.

۲. نجاشی: ص۲۶ ش۴۹ و فهرست طوسی: ص۲۷ ش۳۲: «ثقة معتمد عليه، روى عن جماعة من أصحابنا عن أبي عبد الله علیه‌السلام». رجال الكشي: ص۵۸۹ ش۱۱۰۲: «حدثني محمد بن مسعود قال: سألت علي بن الحسن عن إسماعيل بن مهران. قال: رمي بالغلو. قال محمد بن مسعود: يكذبون عليه، كان تقيا ثقة خيرا فاضلا.»

۳. «إسماعيل بن مهران له كتاب الملاحم و له أصل. أخبرنا به عدة من أصحابنا عن أبي المفضل عن أبي جعفر محمد بن جعفربن بطة عن أحمد بن أبي عبد الله عن إسماعيل بن مهران.» فهرست الطوسي: ص۳۴ ش۴۱.

۷. کتاب الکافی، حدیث سوم:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله.[۱]

هرچند نام همه افراد حاضر در این سند را در منابع فهرستی می‌یابیم، ولی با توجه به قرائنی که در پی خواهد آمد، می‌توان مصدر مکتوب اولیه حدیث و نیز مصدر مکتوب مورد استفاده کلینی را تشخیص داد:

۱. همانگونه که گفته آمد، در بیشینهٔ اسناد کتاب کافی، دو نفر ابتدای سند، نقش طریقی دارند. در این سند نیز، «علی بن ابراهیم» و «محمد بن عیسی بن عبید» به عنوان مسیر انتقال تراث حدیثی «یونس بن عبدالرحمن» ایفای نقش می‌کنند.[۲] یونس نیز نگارندهٔ مجموعه کتب حدیثی ارزشمند و مورد توجه اصحاب بوده است.[۳] این دو نکته، می‌تواند کتاب‌های حدیثی یونس را بعنوان مصدر این روایت، برنمایاند.

۲. «معلّی بن خُنَیس»، هرچند دارندهٔ کتابی مشهور است که افراد مختلفی به روایت آن همت گمارده‌اند[۴]، ولی با توجه به نقل اندک «عبدالله بن مُسکان» از وی در اسناد احادیث[۵] نمی‌تواند گویای روایت‌گری عبدالله بن مسکان از کتاب معلی بن خنیس

---

۱. الکافی، ج۲، ص۳۵۴، ح۱۱.

۲. توضیح بیشتر آن که کتب یونس بن عبدالرحمن، هرگاه از طریق اسماعیل بن مرار و صالح بن سندی (سعید) انتقال یابد، محدثانی چون: علی بن ابراهیم، صفار، سعد بن عبدالله و حمیری، با دو واسطه باید به این مجموعه آثار دست‌یابند: ابراهیم بن هاشم و اسماعیل یا صالح. ولی هرگاه از مسیر اختصاصی «محمد بن عیسی» اقدام کنند، با همین واسطه به تنهایی به تراث حدیثی یونس دسترسی پیدا می‌کنند. توجه به طرق متعدد کتب یونس در دو کتاب فهرستی موجود: نجاشی و طوسی، گویای این نکته است: رجال النجاشی، ص۴۴۶، ش۱۲۰۸، فهرست الطوسی، ص۵۱۱، ش۸۱۳.

۳. فراوانی طرق کتب یونس و نیز تعبیر ویژه ابن ولید درباره این تراث حدیثی، حاکی از برجستگی آن است: « سمعت محمد بن الحسن بن الولید رحمه الله یقول: کتب یونس التي هي بالروایات کلها صحیحة یعتمد علیها» فهرست الطوسی: ص۵۱۲.

۴. « له کتاب یرویه جماعة» رجال النجاشی: ص۴۱۷ ش۱۱۱۴

۵. هفت حدیث در کتاب‌های: الکافي ج۲، ص۲۴۵ و۲۴۶ و۳۵۱ و۳۵۴، التهذیب ج۷، ص۲۶۱، بصائر الدرجات: ص۳۸۲ و نوادر الاشعری: ص۸۴

باشد. جالب آن‌که بر پایهٔ داده‌های اسناد روایات، بیشتر روایت‌گران معلی بن خنیس، بیش از یک یا دو حدیث از وی دریافت نداشته‌اند. این نکته، گمانهٔ نقل شفاهی عبدالله بن مسکان از معلّی را در ذهن ایجاد می‌کند.

۳. «عبدالله بن مُسکان»، یکی از اصحاب اجماع طبقه دوم است که در شمار روایت‌گرانِ وی، نام ۹ تن از اصحاب اجماع طبقه دوم و سوم[۱] را می‌یابیم. برپایه مدخل ابن‌مسکان در فهرست الطوسی، ابن‌ابی‌عمیر و صفوان بن یحیی (دو تن از اصحاب اجماع) کتاب وی را روایت کرده‌اند. با افزودن داده‌های سندی پرتکرار، می‌توان نام راویان جلیل‌القدر دیگری چون: یونس بن عبدالرحمن، علی بن نعمان، عبدالله بن مغیره، عثمان بن عیسی و حتی راویان متهم به ضعفی چون: محمد بن سنان را در مسیر انتقال کتابش، دانست[۲]. این نکته، ما را به این سمت رهنمون می‌شود که «یونس بن عبدالرحمن» راوی کتاب عبدالله بن مسکان است. از این رو، این حدیث نیز برگرفته از کتاب ابن‌مسکان، به روایت‌گریِ یونس است.

۴. هر چند اولین منبع مکتوب این حدیث را کتاب عبدالله بن مسکان دانستیم، ولی به نظر می‌رسد که مصدر مکتوب کلینی برای دریافت این حدیث، نه کتاب ابن‌مسکان، بلکه کتاب یونس بن عبدالرحمن است. علت آن را می‌توان در کم‌رنگ بودنِ نقش طریقیِ یونس دانست؛ چه اینکه یونس به دلیل بغدادی بودن و خارج بودنش از کوفه، به عنوان مرکز علمی تشیع، خود را در مسیر انتقال اندک کتاب‌هایی[۳]

---

۱. هرچند ابن‌مسکان در طبقه‌ای است که بیشتر اصحاب اجماع طبقه سوم از وی نقل روایت کرده‌اند، ولی به دلیل برجستگی و بزرگی سنش، برخی اصحاب اجماع طبقه دوم، چون: عبدالله بن بکیر و حماد بن عیسی نیز، اندک از وی روایت داشته‌اند. نجاشی در مدخل وی، به نقل تنها یک روایت عبدالله از امام صادق علیه‌السلام پرداخته است. کشی، علت آن را «رعایت ادب حضور» عبدالله در محضر آن امام همام دانسته است: «أن ابن مسکان کان لا یدخل علی أبي عبدالله علیه‌السلام شفقة ألّا یوفیه حق إجلاله، فکان یسمع من أصحابه و یأبی أن یدخل علیه إجلالا و إعظاما له علیه‌السلام». رجال الکشی: ص۳۸۳ ش۷۱۶.

۲. نرم‌افزار درایة النور، محیط اسناد، سربرگ راوی، بخش «روی عنه».

۳. کتاب‌های: عبدالله بن ابجر به روایت‌گریِ محمد بن عیسی از یونس (نجاشی: ص۲۱۷)، هاشم بن ابراهیم عباسی به روایت‌گریِ صفوان از یونس (همان: ص۴۳۶)، عمرو بن جمیع به روایت‌گریِ اسماعیل بن مرار از یونس (فهرست الطوسی: ص۳۱۷).

قرار داده است. افزون بر این، محمد بن عیسی که راوی بحث‌برانگیز کتاب‌های یونس به حساب می‌آید، تنها در یک مسیر از این کتاب‌ها، اقدام به انتقال کتاب کرده است. بنابراین شاید نتوان یونس را راوی کتاب ابن‌مسکان و محمد بن عیسی را طریق این کتاب به‌حساب آورد.

افزون بر آن، شاید بتوان گفت با وجود کتاب جامع، مرجع و مشهوری چون «کتب یونس»، جامع‌نگاری چون کلینی، مراجعه به آن را بر بهره‌گیری از مصادر پیش از آن، ترجیح دهد؛ هرچند آن آثار نیز در دسترس وی بوده باشد.[۱]

با توجه به قرائن پیش‌گفته، می‌توان یکی از کتاب‌های یونس بن عبدالرحمن را منبع مکتوب کلینی در ثبت این حدیث دانست؛ کتاب‌هایی که در بالاترین درجات اعتماد اصحاب امامیه قرار داشته است: «کتب یونس التی هی بالروایات کلّها صحیحة یعتمد علیها».[۲]

۸. کتاب الکافی، حدیث چهارم:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَنْصُورٍ الصَّيْقَلِ وَ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام.[۳]

با توجه به شباهت این سند با سند پیشین، می‌توان اولین منبع مکتوب این حدیث را کتاب عبدالله بن مسکان و مصدر کلینی را کتاب محمد بن سنان پنداشت. توضیح بیشتر آنکه:

۱. «محمد بن یحیی» و «احمد بن محمد بن عیسی» یکی از مسیرهای انتقال تراث حدیثی کوفه، از جمله کتب محمد بن سنان، به قم هستند. طریق کتاب محمد بن سنان در فهرست شیخ طوسی، گویای این نکته است.[۴]

---

۱. استفاده از کتابی متأخر و نزدیک تر به جامع‌نگار، به ویژه زمانی که از طرق متعددی بهره‌مند باشد، بروز آسیب‌هایی چون تصحیفات نسخه‌ای را کاهش می‌دهد؛ به ویژه اینکه راوی و مؤلف آن، هرچه به زمان جامع‌نگار نزدیکتر باشد، شناخت بهتری را می‌توان از شخصیت حدیثی اش به دست آورد.

۲. فهرست الطوسی، ص۵۱۲

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۶، ح ۶.

۴. «أخبرنا به جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله و

۲. نقل «عبدالله بن مسکان» از دو تن از راویان امام صادق علیه‌السلام، یعنی: معلی بن خنیس و منصور بن ولید صیقل، گویای دریافت شفاهی ابن‌مسکان از این دو راوی است[۱]. نکته افزون بر ترجمه معلی که در صفحات پیش گذشت، آن که نام منصور صیقل را در میان مؤلفان شیعی نمی‌یابیم[۲]. از این رو بازهم اولین منبع مکتوب حدیث را می‌توان کتاب ابن‌مسکان دانست.

۳. بر پایه اطلاعات منابع فهرستی، هر چند «محمد بن سنان» در مسیر انتقال کتاب «عبدالله بن مسکان» قرار گرفته[۳]، ولی با توجه به نکته پایانی تحلیل حدیث پیشین، می‌توان مصدر مکتوب کلینی برای اخذ این حدیث را نیز کتاب‌های سی‌گانه[۴] «محمد بن سنان» پنداشت. به‌ویژه آن‌که کتاب‌های محمد بن سنان، افزون بر فراوانی جلد، از شهرت سه‌گانه نیز برخوردار است و این نکته، گمانهٔ بهره‌گیری کلینی از آن را افزایش می‌دهد.

توضیح بیشتر آن‌که؛ شهرت یک کتاب در سه بازهٔ زمانی، با شیوه‌های اختصاصی هر یک، به دست می‌آید:

۱. شهرت در زمان تألیف کتاب. این نوع شهرت با روایت فراوان کتاب در زمان مؤلف، توسط راویان فراوان، به‌دست می‌آید. برای نمونه، نجاشی در شرح حال برخی مؤلفان چنین می‌نگارد: «له کتاب یرویه عنه جماعة».[۵] «قد رواه جماعات من الناس».[۶]

الحميري و محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين و أحمد بن محمد عن محمد بن سنان.» فهرست الطوسی: ص۴۰۷ ش۶۲۰.

۱. اندک بودن نقل روایت ابن‌مسکان از منصور صیقل (۳ روایت) نیز مؤید نقل شفاهی است.

۲. برقی وی را در شمار اصحاب الصادق علیه‌السلام (ص۳۹) و طوسی در کتاب الرجال، نام وی را در زمره اصحاب الباقر و الصادق علیهماالسلام (ص۱۴۷ و ۳۰۶) یاد کرده است.

۳. رجال النجاشی: ص۲۱۴.

۴. شیخ طوسی در فهرست: ص۴۰۶، شمار کتاب‌های وی را اینگونه توصیف می‌کند: «و کتبه مثل کتب الحسین بن سعید علی عددها و له کتاب النوادر»

۵. رجال النجاشي ص ۱۳۴. ۱۳۰. ۱۱۶. ۱۱۵. ۱۱۰. ۱۰۷. ۱۰۶. ۱۰۳. ۹۸. ۷۲. ۷۱. ۳۰. ۲۴. ۲۲. ۲۱. ۲۰ و...

۶. رجال النجاشي، ص ۱۱۸.

۲. شهرت در زمان گزارش کتاب توسط گزارش‌گرانی چون نجاشی و طوسی. این نوع شهرت با تعابیری چون: «اخبرنا عنه جماعة من اصحابنا».[۱] «له کتاب یرویه عنه عدة من اصحابنا».[۲] حاکی از کثرت نقل و شهرت کتاب در زمان گزارش‌گر است.
۳. شهرت در طول زمان، از نگارش تا گزارش. این نوع شهرت با تعدد طرق به یک کتاب در طول زمان و در طی مسیرهای متفاوت به‌دست می‌آید. تعدد طرق به یک کتاب، حاکی از این نوع شهرت است.

اشتهار کتاب‌های محمد بن سنان از سویی و بهره‌مندی کلینی از این منابع مشهور، شاید بتواند اتهامات وارد بر محمد بن سنان را بی‌پایه جلوه دهد؛ چه اینکه رجالیانی چون نجاشی نیز تضعیفات وی را از زبان دیگر رجالیان یا راویان، گزارش کرده و با عبارتی چون: «و هذا یدل علی اضطراب کان و زال» از آن گذر کرده‌اند.

۹. کتب شیخ صدوق، حدیث اول:

عَنْ مَنْصُورٍ الصَّيْقَلِ وَ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالا: سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله.[۳]

شیخ صدوق در سه کتاب از تألیفاتش؛ التوحید، علل الشرایع و مصادقة الإخوان، به یادکرد حدیث تردد، به دو شکل اقدام کرده است:

الف) صدوق، در کتاب التوحید و علل الشرایع، با بهره‌گیری از راویان اهل سنت و روایت‌گری انس بن مالک از رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، حدیث تردد را در قالب سند «مسند» و با افزودن فرازهای بیشتری نقل کرده است. ب) در مقابل، در کتاب مصادقة الاخوان، حدیث کوتاه‌ترِ تردد، با بهره‌گیری از مسیر شیعی ولی به گونهٔ «مرسل» و بسنده‌شده به راویان اصلی حدیث، در دستور کار وی قرار گرفته است. با توجه به رسالت این نوشتار در ردیابی فهرستی روایات، که بر پایه سنجش مصادر مکتوب شیعی پیش می‌رود، بررسی حدیث تردد در دو کتاب اول، از دستور کار خارج می‌شود.

---

۱. فهرست الطوسي ص۳۲۶. ۸۷. رجال الطوسی ص۴۹۹. ۴۱۳. ۳۸۷.
۲. رجال النجاشي، ص۱۴۰. ۷۲.
۳. مصادقة الإخوان، ص۷۴، ح۱.

با توجه به انطباق راویان اصلی حدیث تردد در کتاب مصادقة الاخوان و نیز متن آن، با حدیث چهارم کتاب الکافی، که در صفحات پیش گذشت، می‌توان مصدر مکتوب اصلی صدوق در این حدیث را «کتاب الکافی» دانست. بر این پایه، با استفاده از مسیر انتقال کتاب الکافیِ کلینی تا شیخ صدوق[1]، می‌توان سند این روایت را اینگونه بازسازی کرد:

محمّد بن محمّد بن عصام الکلینيّ و عليّ بن أحمد بن موسی و محمّد بن أحمد السنانيّ، عن محمّد بن یعقوب الکلینيّ، مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ مَنْصُورٍ الصَّیْقَلِ وَ الْمُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ.

۱۰. کتاب الامالی شیخ طوسی:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو حَفْصٍ عُمَرُبْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الصُّوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ الْإِسْکَافِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُبْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ الْفَزَارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعِیدُ بْنُ عَمْرٍو، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ ضَوْءٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَیْنِ زَیْنُ الْعَابِدِینَ علیه‌السلام: قَالَ اللهُ (عَزَّوَجَلَّ).[2]

در سند کتاب الامالی، با سه نفر از مؤلفان کتب حدیثی شیعه روبروییم: شیخ مفید (محمد بن محمد)، محمد (ابوعلی) بن همام و جعفر فزاری. برای تعیین مصدر مکتوب این حدیث، به تحلیل وضعیت این هر سه می‌پردازیم: از آنجا که شیخ مفید، مسیر انتقال

---

۱. شیخ صدوق در مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه طریق خود به کلینی را چنین می‌نگارد: و ما کان فیه عن محمّد بن یعقوب الکلینيّ ـ رحمة الله علیه ـ فقد رویته عن محمّد بن محمّد بن عصام الکلینيّ؛ و عليّ بن أحمد بن موسی؛ و محمّد بن أحمد السنانيّ ـ رضي الله عنهم ـ عن محمّد بن یعقوب الکلینيّ؛ و کذلك جمیع کتاب الکافي فقد رویته عنهم عنه عن رجاله. (من لایحضره الفقیه، ج۴، ص ۵۳۴.)

۲. الأمالي شیخ طوسي، المجلس الرابع عشر، ص ۴۱۴، ح ۸۰. نقل امالی طوسی با دیگر نقل‌های حدیث تردد از دو جهت متفاوت است: اول آنکه صدر روایت با جمله «ما من شی اتردد فیه مثل ترددی» آغازشده؛ حال‌آنکه دیگر نقل‌ها همگی با جمل «ما ترددتُ فی شی کترددی» آغاز شده است. دوم آنکه در ذیل روایت، به «فرستادن دو ریحانه بهشتی» اشاره می‌کند که سبب تسهیل در امر قبض روح می‌شود. این فراز مختص به این روایت است و دیگر روایات تردد فاقد این فقره می‌باشند: «مَا مِنْ شَیْءٍ أَتَرَدَّدُ فِیهِ مِثْلَ تَرَدُّدِي عِنْدَ قَبْضِ رُوحِ الْمُؤْمِنِ، یَکْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَکْرَهُ مَسَاءَتَهُ، فَإِذَا حَضَرَهُ أَجَلُهُ الَّذِي لَا تَأْخِیرَ فِیهِ بَعَثْنَا إِلَیْهِ بِرَیْحَانَتَیْنِ مِنَ الْجَنَّةِ تُسَمَّی إِحْدَاهُمَا الْمُسْخِیَةَ وَ الْأُخْرَی الْمُنْسِیَةَ، فَأَمَّا الْمُسْخِیَةُ فَتُسْخِیهِ عَنْ مَالِهِ، وَ أَمَّا الْمُنْسِیَةُ فَتُنْسِیهِ أَمْرَ الدُّنْیَا».

کتب حدیثی فراوانی به شاگردانش از جمله شیخ طوسی است، می‌توان وی را در نقش طریقی‌اش دید؛ به‌ویژه آن‌که بر فرض بهره‌گیری شیخ طوسی از کتب شیخ مفید برای دریافت این حدیث، باید این حدیث را در آثار شیخ مفید می‌یافتیم؛ حال آن‌که چنین نیست. دومین گزینه احتمالی، محمد بن همام، هرچند که وی در شمار مؤلفان ثقه شیعی به حساب آمده و نامش را در منابع فهرستی می‌یابیم، ولی نمی‌توان این حدیث را برگرفته از آثار مکتوب وی دانست؛ چه اینکه برپایه گزارش نجاشی، ابن‌همام تنها نگارنده یک کتاب با نام «کتاب الأنوار في تاریخ الأئمة علیهم‌السلام»[1] بوده است. جالب آن‌که هرچند شیخ طوسی ابن‌همام را در الفهرست خویش نامبردار شده، ولی هیچ کتابی را به او نسبت نداده است.[2] با پذیرش نکات پیش‌گفته، تنها گمانهٔ قابل پذیرش را به عنوان مصدر مکتوب حدیث، که مورد استفاده شیخ طوسی قرار گرفته، باید کتاب‌های حدیثی جعفربن محمد بن مالک فزاری[3] دانست[4]. گفتنی است که در منابع فهرستی، ابوعلی بن همام، تنها راوی کتاب‌های جعفرفزاری شناسانده شده است.

ریزنکته‌ای درباره اعتبار کتاب‌های جعفرفزاری: جعفرفزاری از راویانی است که درباره وثاقت یا ضعف وی، اختلاف شدیدی در میان رجالیان متقدم برپاست. ابن‌غضائری و در پی وی، نجاشی، وی را در دشوارترین مواضع ضعف قرار داده و توصیفات تضعیفیِ منحصربه فردی درباره‌اش گفته‌اند.[5] شیخ طوسی در دیگرسوی ماجرا، وی را ثقه معرفی

---

۱. رجال النجاشی: ص۳۸۰ ش۱۰۳۹.

۲. «محمد بن همام الإسکافي یکنی أبا علي جلیل القدر ثقة. له روایات کثیرة. أخبرنا بها عدة من أصحابنا عن أبي المفضل عنه.» فهرست الطوسی: ص۴۰۲ ش۶۱۳.

۳. نجاشی سه کتاب به وی نسبت داده است: غرر الأخبار، کتاب أخبار الأئمة و مواليدهم علیهم‌السلام، کتاب الفتن و الملاحم. رجال النجاشی: ص۱۲۲ ش۳۱۳.

۴. برفرض پذیرش این گمانه قوی، می‌توان مسیر: «المفید، عن ابی‌حفص الصوفی، عن ابی‌علی بن همام» را نیزطریق دیگری به کتاب‌های جعفرفزاری دانست.

۵. رجال ابن‌غضائری ص۴۸: «کذاب متروك الحدیث جملة، و في مذهبه ارتفاع، و یروي عن الضعفاء و المجاهیل و کل عیوب الضعفاء مجتمعة فیه.» رجال النجاشی: ص۱۲۲ ش۳۱۳: «کان ضعیفا في الحدیث. قال أحمد بن الحسین: کان یضع الحدیث وضعاً و یروي عن المجاهیل و سمعت من قال: کان أیضا فاسد المذهب و الروایة. و لا أدري کیف روی عنه شیخنا النبیل الثقة أبوعلي بن همام و شیخنا الجلیل الثقة أبوغالب الزراري رحمهما الله»

کرده و مسیری پررفت‌وآمد را برای کتاب‌های وی ترسیم کرده است.[۱] طوسی، نقل روایات عجیب در ولادت حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام توسط وی را عامل تضعیف وی توسط برخی محدثان قم دانسته است[۲]. با بهره‌گیری از دیگر قرائن ـ چون: نقل دو تن از محدثان ثقه و جلیل‌القدر شیعه: ابوعلی بن همام و ابوغالب زراری[۳]، که مورد تصریح نجاشی نیز واقع شده ـ می‌توان جعفر فزاری و آثار حدیثی‌اش را مورد اعتماد عمومی محدثان شیعه دانست.[۴]

۱۱. کتاب فلاح السائل، ابن‌طاووس حِلّی:

أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْعِجْلِيُّ الْكِسَائِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام.[۵]

در میان حلقه‌های سند بالا، با سه مؤلف احتمالی مواجهیم: جمیل بن دراج، علی بن حسن بن فضّال، هارون بن موسی تعلکبری. برای تعیین یکی از این سه، به عنوان مصدر مکتوب ابن‌طاووس، نکات زیر را مورد توجه قرار می‌دهیم:

الف) جمیل بن دراج، از اصحاب اجماع و نگارندهٔ کتابی مشهور است که جمع فراوانی از راویان، به نقل آن همت گمارده‌اند: «له کتاب رواه عنه جماعات من الناس و طرقه کثیرة.»[۶] با نگاه به اسناد روایات جمیل بن دراج، پرتکرارترین مسیر روایات این کتاب

---

۱. الفهرست طوسی: ص۱۱۱ ش۱۴۷: «جعفربن محمد بن مالك. له كتاب النوادر. أخبرنا به جماعة من أصحابنا عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري عن أبي علي بن همام عن جعفربن محمد بن مالك.» الرجال طوسی: ص۴۱۸: «جعفربن محمد بن مالك كوفي ثقة»

۲. «ثقة و يضعّفه قوم، روى في مولد القائم أعاجيب» همان.

۳. یادکرد ابوغالب زراری از جعفر فزاری در کتاب «رسالة ابوغالب» ص۱۵۰ خواندنی است؛ آنجا که می‌نویسد: «جعفربن محمد بن مالك الفزاري البزاز و كان كالذي رباني». ابوغالب، وی را مربی خویش در ابتدای مسیر حدیث‌اندوزی معرفی کرده است.

۴. اثبات وثاقت جعفر فزاری، پژوهشی مستقل را می‌طلبد که در قالب پایان‌نامه‌ای با عنوان « بازشناسی شخصیت حدیثی رجالی جعفربن محمد بن مالک فَزاری» در مقطع سطح۳ حوزه علمیه قم، با راهنمایی یکی از نگارندگان این مقاله، در حال انجام است.

۵. فلاح السائل ص۱۶۸.

۶. رجال‌النجاشي، ص۱۲۶.

را «علی بن الحسن بن علی بن فضال، عن جعفربن محمد بن حکیم» می‌یابیم. هرچند در منابع فهرستی، نام جعفربن محمد را در مسیر انتقال کتاب‌های جمیل نمی‌یابیم، ولی برپایه اسناد پرتکرار[1]، که نشان از مسیر مصادر مکتوب است، می‌توان جعفر را راوی کتاب جمیل دانست. درباره علی بن حسن بن فضال، مطلب به گونه‌ای دیگر است؛ چه اینکه در منابع فهرستی، نام وی را در مسیر کتب جمیل به‌وضوح مشاهده می‌کنیم.[2] بر این پایه، مصدر مکتوب اولیه این حدیث را باید کتاب مشهور جمیل بن دراج دانست.

ب) علی بن حسن بن فضال: حضور علی بن فضال در طریق کتاب جمیل بن دراج از سویی و برپاکردن بزرگ‌ترین کتابخانۀ حدیثیِ عصر خویش[3]، که حکایت‌گرِ نقش طریقی برجستۀ اوست از دیگر سوی، علی بن فضال را در این سند، در نقش طریقی‌اش اثبات می‌کند.

ج) هارون بن موسی، هرچند که کتاب «الجوامع فی علوم الدین» به وی نسبت داده شده[4]، ولی با توجه به نقش بسیار برجستۀ وی در انتقال بیشینۀ تراث مکتوب امامیه[5]، معمولا حضور وی در اسناد حدیث، حاکی از نقش طریقیِ اوست.

در کنار گمانۀ بهره‌گیری ابن‌طاووس از کتاب مشهور جمیل بن دراج، توجه به نکات زیر، گمانۀ دیگری را به ذهن می‌اندازد: اخذ حدیث از کتاب‌های علی بن حسن بن فضال:

۱. می‌دانیم که شیخ طوسی در تهذیب الاحکام، اسناد مختصرشدۀ خویش را معمولاً با صاحبان کتب حدیثی مصدر خویش، آغاز می‌کند. در اسناد این کتاب، با حضور علی

---

۱. جعفربن محمد، که نامش تنها در رجال طوسی در شمار اصحاب الکاظم علیه‌السلام آمده، مجموعاً در ۱۵ سند در کتب اربعه از جمیل نقل حدیث می‌کند. همچنین بیشترین نقل از جعفربن محمد بن حکیم در کتب اربعه توسط علی بن حسن فضال با بیست‌ویک سند است.

۲. «له کتاب... قرأته علی الحسین بن عبید الله حدثکم أحمد بن محمد الزراري عن جده عن علي بن الحسن بن فضال عن أيوب بن نوح عن ابن أبي عمير عن جميل». رجال النجاشی: ص۱۲۷ ش۳۲۸.

۳. عیاشی، کتابخانه بزرگ ابن‌فضال را چنین توصیف کرده است: «علي بن الحسن بن علي بن فضال: فما رأيت فيمن لقيت بالعراق و ناحية خراسان أفقه و لا أفضل من علي بن الحسن بالكوفة، و لم يكن كتاب عن الأئمة علیهم‌السلام من كل صنف إلا و قد كان عنده و كان أحفظ الناس.» رجال‌الکشي، ص۵۳۰.

۴. رجال النجاشی، ص۴۳۹، ش۱۱۸۴.

۵. شیخ طوسی اینگونه این ویژگی وی را معرفی کرده است: «ثقة روى جميع الأصول و المصنفات». رجال الطوسی، ص۴۴۹، ۶۳۸۶.

بن حسن بن فضال در ابتدای حدود ۵۰۰ سند[۱] روبروییم. این حضور، می‌تواند نقشِ آثار علی بن فضال را در جایگاه مصادر مکتوب تهذیب، برنمایاند.[۲] به‌ویژه آن‌که در حدود ۱۵ سند این کتاب، شاهد انطباق بر سند حدیث تردد در کتاب فلاح السائل هستیم: «عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ جَعْفَرِبْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاج».[۳]

۲. در یکی از پژوهش‌های معاصر مستشرقان درباره «کتابخانه سید ابن‌طاووس»، برخی آثار علی بن حسن بن فضال، جزو منابع مکتوب مورد استفاده ابن‌طاووس برشمرده شده است.[۴]

برپایهٔ گمانهٔ دوم، مصدر مکتوب اولیهٔ حدیث، کتاب مشهور جمیل بن دراج و مصدر مکتوب مورد استفاده سید ابن‌طاووس، کتاب علی بن حسن بن فضال، دانسته می‌شود.

جمع‌بندی اعتبارسنجی و ردیابی مجموعه احادیث تردد

کندوکاو در منابع نخستین و اسانید حدیث تردد برپایه روش فهرستی، دست‌آوردها و ثمرات چشم‌گیر و تازه‌ای را فراروی پژوهش‌گرانِ عرصهٔ حدیث می‌نهد که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برپایهٔ روایات موجود، حدیث تردد توسط سه تن از امامان شیعه؛ امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام، به جامعهٔ علمی قرن دوم عرضه شده است.

۲. افزون بر کثرت اسناد حدیث تردد، حضور برخی از اصحاب اجماع و محدثان ثقه، اعتمادزایی بیشتری را فراهم کرده است.

۳. اسناد حدیث تردد گویای این واقعیت است که عصر صادقین علیهما‌السلام، زمان کتابت اولیهٔ حدیث تردد است و پس از آن، به منابع دیگر راه یافته است.

۴. شناسایی راویان حدیث تردد، بیانگر راه‌یافتن آن از کتاب‌های محدثان کوفه به حوزه‌های حدیثی قم، بغداد و سپس حِلّه است.

---

۱. نرم‌افزار درایة‌النور، محیط اسناد، سربرگ جستجو، با استفاده از عملگر #(ابتدای عبارت)

۲. برخی حدیث‌پژوهان معاصر، وجود راوی در ابتدای اسناد تهذیب را، به دلیل امکان «اخذ با واسطه»، نشان از مصدر مکتوب شیخ طوسی نپنداشته‌اند. (جهت اطلاع از این نظریه، ن. ک: سایت اینترنتی مدرسه فقهی امام محمدباقر علیه‌السلام، درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری ۲۸ مهر ۱۳۹۵)

۳. از جمله: تهذیب الاحکام: ج۴ صص ۷ و۶۰ ج۹، صص ۱۵۷و۳۲۱.

۴. کتابخانه سید ابن طاووس، ص۵۲۶. مؤلف، کتاب الصیام ابن فضال را از مصادر مکتوب ابن طاووس دانسته است.

۵. تحلیل و بازشناخت اسناد و طرق حدیث تردد را می‌توان نمونهٔ بارز از واقعیت‌های تاریخ حدیث شیعه و تلاش محدثان در فرآیند انتقال تراث امامیه دانست.

۶. جدای از کتاب‌های حدیثی موجود در عصر حاضر، برپایهٔ داده‌های برآمده از تحلیل اسناد، می‌توان به مصادر مفقود اولیهٔ این حدیث پی برد. نگارندگان این کتاب‌های اولیه، همگی از راویان جلیل‌القدر و ثقه و برآمده از حوزهٔ حدیثی کوفه بوده‌اند:[1]

ردیف	نام مؤلف کتاب مصدر	توصیف در منابع رجالی	حوزه حدیثی	تعداد حضور در اسناد کتب اربعه[1]
۱	ابوحمزه ثمالی	ثقة (نجاشی)	کوفه	۴۲۷
۲	اسماعیل بن مهران سکونی	ثقة معتمد علیه (نجاشی)	کوفه	۱۳۷
۳	جعفربن محمد بن مالک فزاری	ثقة (رجال الشیخ)	کوفه ـ بغداد	۵۵
۴	جمیل بن دراج	وجه الطائفة ثقة (نجاشی)	کوفه	۱۰۸۰
۵	حسن بن علی بن فضال	جلیل القدر عظیم المنزلة (الفهرست)	کوفه	۱۶۴۷
۶	حنان بن سدیر	ثقة (الفهرست)	کوفه	۲۱۴
۷	صفوان جمّال	ثقة (نجاشی)	کوفه	۱۰۹
۸	عبدالله بن مسکان	ثقة عین (نجاشی)	کوفه	۱۴۲۴
۹	علی بن حسن بن فضال	فقیه أصحابنا بالکوفة و وجههم و ثقتهم (نجاشی)	کوفه	۱۲۴۲
۱۰	علی بن عقبه اسدی	ثقة ثقة (نجاشی)	کوفه	۱۵۷
۱۱	محمد بن سنان	ضعیف (نجاشی) و التحقیق انه ثقة[2]	کوفه	۹۷۵
۱۲	محمد بن علی حلبی	وجه أصحابنا و فقیههم. و الثقة (نجاشی)	کوفه	۴۹۰
۱۳	یونس بن عبدالرحمن	وجها في أصحابنا متقدما عظیم المنزلة (نجاشی)	بغداد ـ کوفه	۱۳۸۲

۱. آمارها برگرفته از نرم‌افزار درایه‌النور، محیط اسناد، سربرگ راوی، سربرگ «عنوان معیار» است.

۲. هرچند در منابع رجالی، تضعیفاتی را برای وی برشمرده‌اند، ولی در عصر حاضر و در نزد صاحب‌نظران رجال، همچون آیت الله شبیری زنجانی، ثقه دانسته می‌شود. در نرم‌افزار درایة النور، وی اینگونه توصیف شده است: «إمامي، مختلف‌فیه، والتحقیق: انه‌ثقة» محیط اسناد، سربرگ راوی / توصیف.

با تحلیل و بررسی منابع و اسانید حدیث تردد دریافتیم که روش سلف صالح ما، اعتماد به کتاب‌های معتبر و مرجع بوده؛ دقیقاً همان‌گونه که شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه، برای مخاطب خویش، نسبت به محتوای مستحکم کتاب اعتمادسازی کرده است:

أَحْكُمُ بِصِحَّتِهِ وَ أَعْتَقِدُ فِيهِ أَنَّهُ حُجَّةٌ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ رَبِّي تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَ تَعَالَتْ قُدْرَتُه وَ جَمِيعُ مَا فِيهِ مُسْتَخْرَجٌ مِنْ كُتُبٍ مَشْهُورَةٍ عَلَيْهَا الْمُعَوَّلُ وَ إِلَيْهَا الْمَرْجِعُ.[1]

درنگ پایانی

برپایهٔ نکات پیش‌گفته می‌توان حدیث تردد را جزو معتبرترین احادیث شیعه دانست که کثرت طرق آن در کتب معتبر، آشکارترین دلیل براعتبار آن است. بی‌دلیل نیست که علامه محمدتقی مجلسی درباره این حدیث ادعای تواتر کرده و می‌گوید:

و هذا الخبر رواه العامة و الخاصة بطرق كثيرةٍ صحيحةٍ، و يمكن القول بتواترِه، و حقائقُه و أسراره غير متناهٍ لا يمكن بيانها في كتب كثيرة.[2]

شگفت‌آور است آنکه برخی عالمان بزرگ چون علامه حلی در صحت آن تردید کرده[3] و شگفت‌آورتر آن‌که برخی دیگر از فقهای معاصر شیعه، این روایت مشهور و معتبر را انکار کرده و می‌گویند: صدور آن برای ما ثابت نشده است.[4] شاید بتوان این برخورد عجیب را نتیجهٔ رها کردن عملکرد اصحاب ائمه علیهم‌السلام و محدثان جلیل‌القدر شیعه و نیز پیمودن راهی دانست که منطبق بر واقعیات حدیث شیعه و نیز مدیریت بی‌نظیر معصومان علیهم‌السلام بر وادی اعتبارسنجی احادیث است.

---

۱. من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص ۴.

۲. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط ـ القديمة)، ج۱، ص ۳۱۱. علامه محمدباقر مجلسی نیز به نقل از شیخ بهائی می‌نویسد: «قال الشيخ البهائي برّد الله مضجعه: هذا الحديث صحيح السند و هو من الأحاديث المشهورة بين الخاصة و العامة، و قد رووه في صحاحهم بأدنى تغيير.» (مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج۱۰، ص ۳۸۴)

۳. «لو ثبت هذا الحديث لوجب حمله على المَجاز». (أجوبة المسائل المُهَنّائية: العلامة الحلي، ج۱، ص ۳).

۴. استفتاءات، آیةالله سید ابوالقاسم خوئی، ص۴۲۱.

فهرست منابع:

الف) کتاب‌ها:

ابراهیم بن هاشم بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت، سیدعلیرضا حسینی شیرازی، رود آبی، قم، اول ۱۴۰۰ش.

أجوبة المسائل المُهَنّائية، علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی، مطبعة الخیام، قم، ۱۴۰۱ ق.

استفتاءات، سید ابوالقاسم خوئی، مؤسسة إحیاء آثار الامام الخوئي، ایران، قم، ۱۳۸۱ هـ.ش.

اعتبارسنجی احادیث شیعه، زیرساخت‌ها، فرایندها، پیامدها، علیرضا حسینی شیرازی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، دوم، ۱۳۹۸ش.

الأمالي (للطوسي)، محمد بن الحسن الطوسی، ۱ جلد، دار الثقافة ـ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

بررسی روایت به روش فهرستی، احمد میرزایی، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی، اول، ۱۳۹۸ش.

تهذیب الأحکام، (تحقیق خرسان)، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیه ـ تهران، چاپ: اول.

التوحید (للصدوق)، محمد بن علی الصدوق، ۱ جلد، جامعه مدرسین ـ ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ ق.

خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، حسن بن یوسف الحلی، تحقیق جواد قیومی، قم: موسسه نشرالفقاهة، ۱۴۱۷ق.

الدعوات / سلوة الحزین، قطب الدین راوندی، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه‌السلام، قم، اول، ۱۴۰۷ق.

رجال البرقی، احمد بن عبدالله بن احمد البرقی، تحقیق حیدر البغدادی، قم: مؤسسة الامام الصادق علیه‌السلام، ۱۴۳۳ق.

رجال الطوسی، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسة النشرالاسلامی، سوم، ۱۳۷۳ش.

رجال الکشّی (اختیارمعرفة الرجال)، محمد بن عمربن عبدالعزیزالکشّی (تلخیص: محمد بن الحسن الطوسی)، تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.

رجال النجاشی، احمد بن علی النجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشرالاسلامی، ششم، ۱۳۶۵ش.

الرجال، احمد بن الحسین بن عبیدالله الغضائری، تحقیق: سیدمحمدرضا حسینی جلالی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.

روضة المتقین في شرح من لا یحضره الفقیه، محمدتقی مجلسی، قم، مؤسسه کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

العدة فی اصول الفقه، شیخ محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق محمدرضا انصاری، قم انتشارات ستاره، ۱۴۱۷ق.

علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم: داوری، ۱۳۸۵ق.

فلاح السائل و نجاح المسائل، علی بن موسی ابن طاووس، قم: بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۶ق

الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، تصحیح علی اکبرغفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
کتابخانه ابن طاووس، اتان کلبرگ، ترجمه سیدعلی آقایی و رسول جعفریان، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۶ق.
المحاسن، البرقی احمدبن محمد، دارالکتب الاسلامیه، قم، دوم، ۱۳۷۱ق
مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مجلسی محمدباقر، دار الکتب الاسلامیه، تهران، دوم، ۱۴۰۴
مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، شیخ بهایی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة، دوم ۱۴۰۴ق.
مشکات الانوار فی درر الاخبار، علی بن حسن طبرسی، نجف، المکتبة الحیدریة، دوم، ۱۳۸۵ق.
مصادقة الإخوان، شیخ صدوق، مکتبة الإمام صاحب الزمان العامة ـ الکاظمیه، چاپ: اول، ۱۴۰۲ ق.
مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد، شیخ طوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، اول، ۱۴۱۱ق.
مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، الشریف الرضی، چهارم، ۱۴۱۲ق.
من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه الصدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، شیخ حسن بن زین الدین، تصحیح علی‌اکبرغفاری، قم جامعة المدرسین، اول ۱۳۶۲ش.
المؤمن، حسین بن سعید اهوازی، قم، مؤسسه الامام المهدی علیه‌السلام، اول ۱۴۰۴ق.

ب) مقالات و پایان‌نامه‌ها:

۱. پایان‌نامه «بازشناسی شخصیت حدیثی رجالیِ جعفر بن محمد بن مالک فَزاری»، محسن غلامی، سطح۳ حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی علوم حدیث
۲. پایان‌نامه «جایگاه‌شناسی و معناشناسی حدیث تردد با توجه به پاسخ به شبهات»، احسان پوردوانی، سطح۳ حوزه علمیه قم، مرکزتخصصی علوم حدیث
۳. مقاله «تحلیل پدیدهٔ ترجمهٔ ضمنی در رجال نجاشی؛ گونه‌ها و دستاوردها»، سیداحمد موسوی‌پور و جمال‌الدین حیدری‌فطرت، نشریه پژوهش‌های رجالی، شماره۴، ۱۴۰۱ش.
۴. مقاله «جایگاه حدیث قرب نوافل در منابع فریقین و بررسی تطبیقی رویکرد عرفا و محدثان نسبت به آن»، مجید معارف و مصطفی آذرخشی، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره۷، ۱۳۸۹ش.

ج) نرم‌افزارها و سایت‌ها:

۱. نرم‌افزار جامع‌الاحادیث، قم: مرکزتحقیقات کامپیوتری علوم‌اسلامی، ویرایش ۳. ۵، ۱۳۹۰ش.
۲. نرم‌افزار درایة النور، قم: مرکزتحقیقات کامپیوتری علوم‌اسلامی، ویرایش ۱. ۲، ۱۳۸۵ش.
۳. نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت علیهم‌السلام، قم: مرکزتحقیقات کامپیوتری علوم‌اسلامی، ویرایش۲، ۱۳۸۵ش.
۴. سایت اینترنتی «مدرسه فقهی امام محمد باقر علیه‌السلام»، به آدرس: mfeb. ir